

# خیابانهای رنگارنگ

نوشته فیلیپ ارژنه



جاده وضع را خراب‌تر کرده است (با وجود تلاش جدی مقامات برای بهبود وضع در سالهای اخیر)، خیابانهای پردست‌انداز، گل‌آلود و کثیف ترشویل، کوماسی و آبوبو از زندگی و گرمای انسانی موج می‌زند. در این خیابانها که معمولاً بی‌نام‌اند (در بهترین حالتش شماره دارند)، زندگی در زمان حال با شدت و قوت جریان دارد.

یادآوری گرمی و فراوانی جمعیت در بازارهای افریقا و لباسهای رنگارنگ زنان دیگر حرفی پیش پا افتاده و تکراری است. اما شاید این نکته تازه باشد که همین جوش و خروش در خیابانهای پرت و دورافتاده نیز دیده می‌شود. در ابیجان خیابان «مرد» وجود ندارد.

چرا چنین است؟ دلیل نخست الگوی جمعیت‌شناختی است. حیاطها پر از کودکانی است که پس از درس مدرسه، خیابان محل بازیشان است. دلیل دوم، طبیعت این خانه‌های اجاره‌ای و دستجمعی است که در آنها جای زندگی اندکی بیش از یک رشته اطاقک است. در نتیجه، زندگی خانوادگی به روی خیابان و همسایه‌ها باز می‌شود. خیابان محل بازی کودکان و بزرگسالان و جای بازیهای بی‌سر و صدای لودو، زی ۲۲ یا آوله بین دو نفر و یا گاه مسابقات بین تمام اهل محل است. این گونه بازیها در فعالیتهای زمان فراغت اهالی ابیجان نقش مهمی دارد. در یکی از خیابانهای آبوبو یک مدرسه بازی زی ۲۲ وجود دارد، و در خیابان دیگری نجاری است که تخصصش ساختن میز فوتبال دستی است، که در سالهای اخیر در بیرون بارها و در کنار در ورودی حیاطها به وفور به چشم می‌خورد.

این گونه فعالیتهای تفریحی خاص مردان است، اما در

خیابانهای افریقا نیز مانند خود این قاره، با آن اقلیمها و فرهنگهای متنوعش، سرشار از تضادهاست. در حاشیه برخی خیابانهای مناطق شنزار بوته‌ها و درختان مانگو، آوکادو، نخل و پاپاو دیده می‌شود که سقف شبیدار کلبه‌ها را در پشت خود پنهان کرده‌اند. و در برخی دیگر رنگ آجری خاک با کاهگل دیوار خانه‌های سقف کوتاهی که رو به حیات داخلی دارند درمی‌آمیزد. در کنار بعضی خیابانهای دیگر خانه‌هایی به چشم می‌خورند که به سبک «کارابوت» (خانه‌های تخته‌ای به سبک کلبه‌های انگلیسی) ساخته شده‌اند. این خانه‌ها که رنگ سفیدشان یادآور دوران استعمار است رو به ایوانها و چمن باز می‌شوند. و بالاخره در کنار بعضی خیابانها هم سردرهای بلند یا کوتاه ساختمانهای سیمانی نیمه‌ساخته‌ای دیده می‌شود که حیاط خانه‌های اجاره‌ای شلوغی در پشت سر آنهاست.

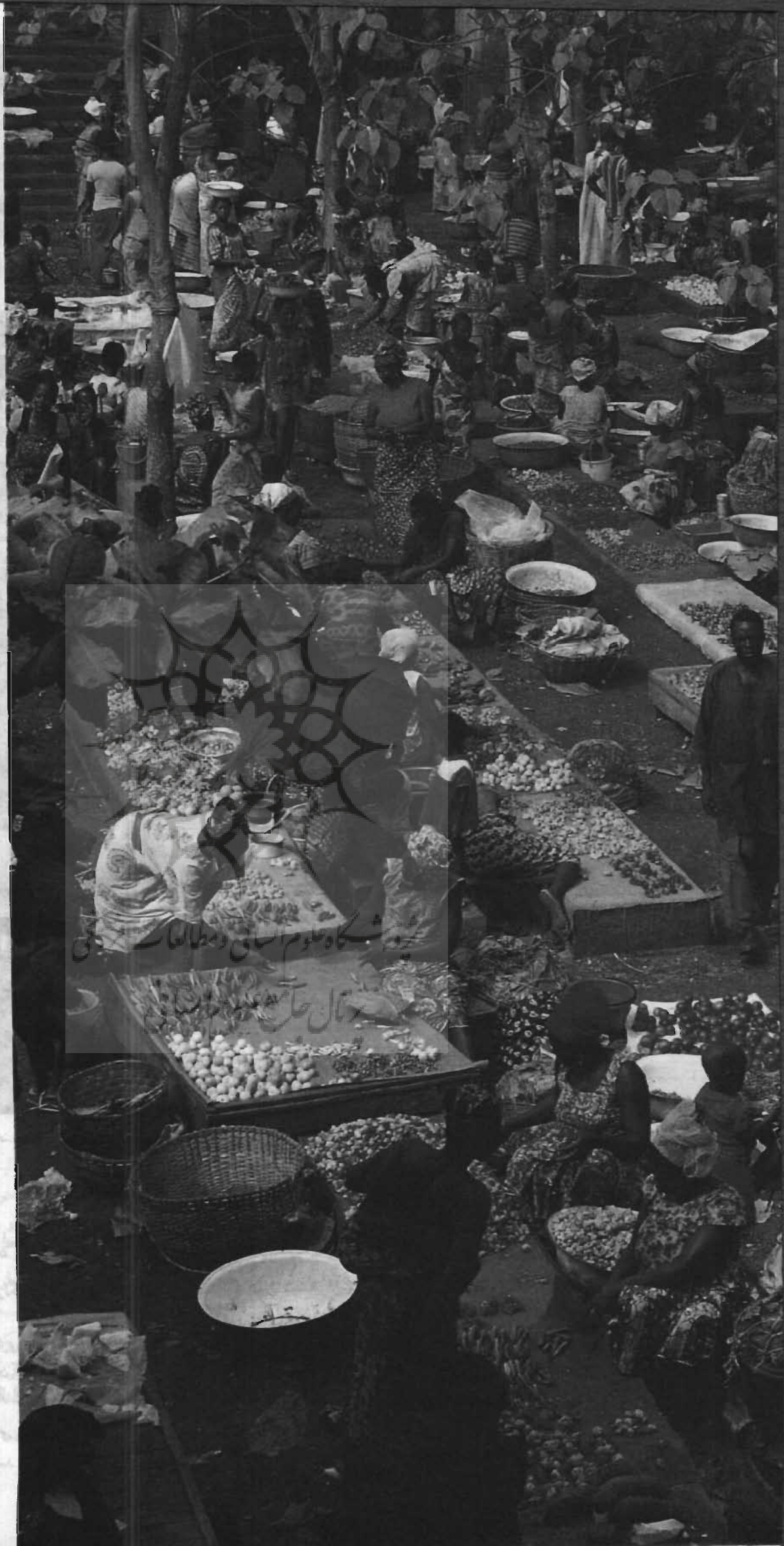
این نوع آخر از مشخصات شهر ابیجان، بندر و پایتخت ساحل عاج (با جمعیتی حدود دو تا سه میلیون، صد برابر پنجاه سال پیش) است، یادست کم معرف مناطق کارگر نشین آن است، به خصوص محله ترشویل «قدیم» (که در ۱۹۳۰ پدید آمد) و کوماسی (۱۹۵۰) و حومه وسیع آبوبو که در ۱۹۷۰ همچون قارچی سر برآورد. تمام خانه‌ها شبیه هم‌اند - کلیشه‌ای، زشت و تنها به عنوان سرپناه. بیشتر اهالی ابیجان، بر اثر سیاست ارضی و برنامه‌های شهرسازی، و نیز به خاطر رشد جمعیت و توسعه اقتصادی، اجاره‌نشین‌اند. قسمتی از همه خانه‌ها و حیاطها اجاره‌ای است.

زمین بازی برای همه

در مقابل این زمینه معماری دلگیر، که مسأله دایمی نگهداری



بازار محله ترشویل



شکاه علوم اساق و مطالعات فرهنگی  
در تال حاکم و در استان

عمر آنست که با این دست و پا در خفا  
در معاصرین است که با این دست و پا  
بودند که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا  
و اینست که با این دست و پا در خفا



زندگی خیابان حضور زنان حتی بیش از مردان محسوس است. زنان خانه‌دار یا دختران جوانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خانه را ترک کنند و به سر کار بروند در خیابان بساط خرت و پرت، انواع کلوچه یا بلال برشته دایر می‌کنند. بازار آبروشها هم گرم است. در هیچ جای ایبجان شیر آب عمومی وجود ندارد. اما اینجا و آنجا آب را به طور خصوصی می‌فروشند. شیر آب آن قدر بلند است که زنان خریدار می‌توانند بدون آنکه ظروف را از روی سر بردارند آنها را پر کنند. در همه جا زغال فروشانی وجود دارند که جنس‌شان هر روزه برای غذا پختن به مصرف می‌رسد، زیرا سوخت مردم چوب یا زغال است. «بوتیک»، یا مغازه کوچکی که کبریت، صابون، رب گوجه‌فرنگی و روغن و از این قبیل اجناس را می‌فروشد همه جاد در دسترس است. زنان برای تهیه سبزی، ماهی و گوشت هر روز به بازار محل می‌روند.

### خطاطی، و پیشه‌وران

در سالهای اخیر ایبجان شاهد رشد سریع حرفه‌ها، خدمات و پیشه‌وری بوده است. بحران اقتصادی گرایش طبیعی به سمت تنوع حرفه‌ها را تشدید کرده است. پیشه‌هایی که قبلاً در مراکز اصلی شهر متمرکز بودند اکنون در سراسر شهر رو به گسترش اند. تبلیغ این حرفه‌ها و پیشه‌ها روز به روز جالبتر می‌شود. خطاطان کارآموزده در تابلونویسی و پرده‌نویسی مشتری فراوان دارند. هنر تزئین و بستن رو به رشد است و حرفه‌ها و خدمات جدیدی ناگهان ایجاد می‌شود و رونق می‌گیرد.

مثلاً خطاطان، که سابقاً محل کسب‌شان در بازار یا به صورت پنهان در حیاط خانه‌ها بود اکنون در خیابان مغازه باز می‌کنند و در ویرین‌های جالب مغازه‌هایشان لباسهای آماده را عرضه می‌کنند. وفور ناگهانی کیوسکهای خصوصی، تلفن، که معمولاً با خدماتی چون فتوکپی، تایپ فوری یا روکش اوراق هويت همراه است، نیز تعجب‌آور است. این کیوسکها معمولاً در کنار دفاتر کوچک مشاوران حقوقی و مالیاتی، یا بنگاههای کوچک معاملات املاک به چشم می‌خورد.

افزایش ناگهانی تعداد درمانگاههای خصوصی و مراکز بهداشتی دیگر نیز چشمگیر است؛ حتی دهان‌پوشها «کلینیک» خودشان را دایر می‌کنند. ابداعات مشابهی در امر آموزش روی می‌دهد و اکنون مؤسسات خصوصی به کمک نهادهای دولتی آمده‌اند. در خیابانهای آبیرو اعلاناتهای گوناگونی دیده می‌شود که مزایای مهدکودکها، مدارس ابتدایی و متوسطه، کلاسهای شبانه و کارگاههای نوآموزان خود را اعلام می‌کنند.

تنوع بسیار گسترده حرفه‌ها در خیابانهای افریقا عملی شده است. علاوه بر تعمیرکاران و «مامی فوتو» (زنی که فوتو، نوعی خوراک موز یا سیب‌زمینی هندی، می‌فروشد)، می‌توان آرایشگران، موبافان، عکاسان، خطاطان، کفاشان، «دکتر»های ساعت، لوله‌کشان، شیشه‌بران، نجاران، کلیدسازان، و پیشه‌وران جور واجور دیگری را در خیابانها یافت.

### خیابان و گروههای محلی

جنب و جوش خیابان تا حدود زیادی بی‌شکلی ساخت شهری را جبران می‌کند و از خیابانها سلسله مراتبی می‌سازد و بدانها روح می‌بخشد. خیابان علایم مشخصه‌ای خلق می‌کند: تابلوی



از بالا به پایین، عکاس محله، ایبجان.

زنان با لباسهای رنگارنگ

درهای کارگاه بسیاری از پیشه‌وران خرده‌پا، مانند این کارگاه بافندگی، به روی خیابان باز است.

آب یکی از اجناسی است که در این مغازه به فروش می‌رسد

فیلیپ ارتزه، اهل فرانسه، در مؤسسه پژوهش علمی در زمینه توسعه و تعاون فرانسه، مدیر پژوهش است. از ۱۹۸۸ سرپرستی پروژه‌ای را به عهده دارد که هدف آن بررسی روشهای مقایسه‌الگوهای شهرسازی در مناطق مختلف جهان است. از جمله آثار منتشر شده‌ی وی دو مقاله درباره زندگی در ایبجان است.





یک رستوران خانوادگی، برای جلب عابران غذاها را در خیابان آماده می‌کنند. در لیست غذاها نام فوتو نیز دیده می‌شود که یک غذای محلی است

ورزش، موسیقی، پس انداز یا سرمایه‌گذاری، زندگی حرفه‌ای، چه در مذهب یا سیاست؛ همه به طور عمده در این سطح جای گرفته‌اند.

بدین ترتیب وفاداریهای محلی رو به توسعه گذاشته است و مثلاً ساکنان در مقابل خطر تخریب بخشی از محله دست به دست می‌دهند حتی اگر این همیاری برای جلوگیری از پیشروی بولدوزرها کافی نباشد. اما این گونه ابتکارها هرگز از این حد فراتر نمی‌رود. زمانی مقامات محلی و سازمانهای بین‌المللی امیدوار بودند که شهرنشینان آفریقایی خود به توسعه و نگهداری خیابانهای خود همت گمارند، اما این امیدواریها در امواج اوچگیرنده گسترش شهرنشینی محو و نابود شد.

از این رو نگهداری جاده‌ها و زیرساختهای دیگر همچنان در حیطه مسئولیت مقامات است. با این وصف این مقامات به تحرك چشمگیر بخش حرفه‌ها و پیشه‌ها و همین‌طور به ظرفیت مردم اییجان که از سراسر آفریقای غربی به آنجا آمده‌اند تا به‌رغم اختلافات، به‌شهر خود روح زندگی بدمند و با نوعی هماهنگی در کنار یکدیگر زندگی کنند، تنها می‌توانند با احساس رضایت بنگرند.

خیابانهای اییجان هر قدر هم پر گل و لای باشند، گردش در آنها عاری از لطف نیست.

چشمگیر یک مغازه ممکن است از سوی مردم به عنوان نام خیابان پذیرفته شود، مانند خیابان عمه سولانز یا خیابان سمفونی ۲ بار. اما همه چیز در جریان دگرگونی مداوم است. مردم اییجان در زمان حال می‌زنند. چه جای حسرت برای گذشته است؟

درست است که در محله قدیمی ترشویل چند ملکدار با تأسف از گذشته‌ای یاد می‌کنند که در هنگام ورود به این شهر شاهد آن بودند. در کوماسی و آبو نیو نیز گاه احساسات مشابهی ابراز می‌شود، اما اکثریت عظیم اهالی کنونی شهر در این احساسات سهیم نیستند. تنها چند نام محل یادآور ایام پیشین است، نامهایی چون درخت آوکادو، آن طرف خط و پی‌سیم (اشاره به درختی بزرگ، خط راه آهن و ایستگاه فرستنده رادیو)، یا نام مالک یا جماعت روستایی که تحولی را آغاز کردند (آیی، آگنیسانکوی، و غیره).

برای ساکنان شهر چندان آسان نیست که خود را با چنین محیط تازه و یکتواختی که جمعیت روزافزون آن مدام از خانه‌ای اجاره‌ای به خانه‌ای دیگر نقل مکان می‌کنند، یگانه ببینند. با این وصف، در آن سوی روابط قومی که هنوز حیاتی است، ارتباطهای جدیدی پدیدار می‌شود که بر اساس همجواری جغرافیایی در منطقه‌ای وسیعتر از محدوده محله مبتنی است. محله، یا حتی ناحیه (که امروزه کمون خوانده می‌شود) کم‌کم جای خیابان را می‌گیرد. فعالیت گروهها یا انجمنها، چه در



مناسبتی با کاربردهای مقتضی پایتختی اتحاد شوروی نداشت. به همین دلیل از همان فردای «انقلاب» مطالعات شهرسازی و طرح نقشه برای شهر آغاز شد. در نخستین مطالعات و نقشه‌ها که البته همچنان به صورت طرح باقی ماند و هرگز جامه عمل نپوشید، پیش‌بینی شده بود که مسکو به گونه‌ای نوسازی شود که به صورت میدانهای رومیان قدیم در آید. آخرین طرحها در سال ۱۹۳۵ تهیه شد که در اطراف محور خیابان تهورسکایا - که از آن پس گورکی نام گرفت - به اجرا درآمد و برخی از اصول آن هنوز اجرا می‌شود.

### واقع‌گرایی سوسیالیستی در معماری

هدف از طرح ۱۹۳۵ که به «طرح بازسازی مسکو» معروف شد این بود که این شهر را به «یک شهر کمونیست نمونه» تبدیل کند. این طرح به مناقشاتی که میان طرفداران عدم تمرکز شهری ملایم و هواداران عدم تمرکز کامل وجود داشت و غالباً به تسندی و خشونت می‌انجامید، پایان داد. این طرح، ساختار متمرکز مسکو را - که مورد اعتراض نوگرایان بود - تثبیت کرد ولی خیابان گورکی را به شاهراه نمونه تبدیل ساخت. مدیریت اجرای طرح به آرکادی موردینوف واگذار شد. موردینوف همان است که در

در مسکو، خیابان گورکی بیانگر تغییراتی است که پایتخت شوروی در پنجاه سال اخیر به خود دیده است. نام قدیمی این خیابان - خیابان تهورسکایا - از نام شهر تور گرفته شده است. این شهر، که یکی از کهن‌ترین شهرهای روسیه است، در گذشته دارای مبادلات بازرگانی با مسکو بوده و محور اصلی این مبادلات در مسکو در خیابان تهورسکایا قرار داشته است. تهورسکایا در آن روزگار یکی از شریانهای عمده شهر بوده و مرکز اصلی خرید و فروش کالاهای لوکس فرانسوی و روسی به شمار می‌رفت. بعدها تهورسکایا نخستین خیابان مسکو بود که با گرفتاریهای ترافیک و راه‌بندانه‌ای وسائط نقلیه آشنا گشت: در عکسهای بازمانده از این خیابان که در اوایل قرن حاضر گرفته شده‌اند، نخستین اتومبیل‌های وارداتی شوروی در میان کالسکه‌ها و واگنهای اسبی، در هم و بر هم، دیده می‌شوند.

تهورسکایا، علی‌رغم اهمیت بازرگانی خود، همچنان یک خیابان باریک و پرپیچ و خم باقی‌مانده همانند بسیاری از خیابانهای مسکو که با وجودی که در حدود دهه ۱۹۲۰ بیش از دو میلیون تن جمعیت داشت هنوز بیشتر به یک «روستای بزرگ» شباهت داشت تا به یک پایتخت چنانکه در سرنوشتش رقم زده شده بود. در آن هنگام این روستای بزرگ آشکارا هیچ تطابق و

خیابان قدیمی تهورسکایا در اوایل قرن حاضر.

